

گزارش

خشونت ساختاری علیه کودکان

با ورود به سن بلوغ، بدن دختر به‌عنوان بدنی «خطرناک» یا «سوسه‌انگیز» تلقی می‌شود و جامعه و قانون می‌کوشند آن را از طریق کنترل، نظم‌دهی و گاه ازدواج زودهنگام مدیریت کنند.» او ادامه داد: «در مطالعات مردم‌نگارانه که حاصل سال‌ها حضور میدانی در جوامع مختلف است، مشاهده می‌شود که بسیاری از باورهای رایج درباره بدن دختران، به‌ویژه در مناسک ازدواج، می‌تواند به آسیب‌های جدی منجر شود. کودک همسری به‌دلیل رو به رشد بودن بدن کودک، حتی در سطح مناسک و آیین‌های ازدواج نیز مسئله‌ساز است و می‌تواند زمینه‌ساز اتهام، خشونت و آسیب‌های جبران‌ناپذیر علیه دختران شود.» به گفته این مدرس دانشگاه تهران، اینکه گفته شود کودک‌همسری بخشی از فرهنگ یا سنت است، توجیه قابل قبولی نیست. فرهنگ امری ایستا و مقدس نیست؛ پویاست و قابلیت تغییر دارد. سکوت دختران در برابر ازدواج زودهنگام نیز به‌هیچ‌وجه به معنای رضایت نیست. یکی از ابعاد نگران‌کننده کودک‌همسری، بازتولید خشونت است. در بسیاری موارد، مادرانی که خود قربانی این پدیده بوده‌اند، ناخواسته به عامل تداوم آن تبدیل می‌شوند. این خشونت نهادینه‌شده، نسل به‌نسل منتقل می‌شود، مگر آنکه با تغییر نگرش، سیاست‌گذاری آگاهانه و اصلاح قوانین، جلوی آن گرفته شود.

قانون تعریف مشخصی از کودک ندارد

خلاهای قانونی در این موضوع همیشه پرچالش بوده و شبیما قوشه، وکیل دادگستری و فعال حقوق زنان، در این نشست با اشاره به ابهام‌های جدی در قوانین ایران گفت: «یکی از مشکلات اساسی ما فقدان تعریف روشن و واحد از مفاهیمی مانند طفل، کودک، نوجوان، ممیز و رشید در قوانین است. هرکدام از این اصطلاحات بار حقوقی متفاوتی دارند، اما در عمل به‌درستی تعریف نشده‌اند. وقتی از کودک همسری صحبت می‌کنیم، بر مبنای کنوانسیون حقوق کودک سخن می‌گوییم؛ کنوانسیون‌که ایران نیز به آن پیوسته و کودک را هر فرد زیر ۱۸ سال می‌داند. با این حال، در قوانین داخلی ما چنین تعریف روشنی وجود ندارد و همین امر موجب اختلاف‌نظر و تفسیرهای متناقض می‌شود. در قوانین داخلی، گاهی گفته می‌شود چون فرد به بلوغ شرعی رسیده، دیگر طفل محسوب نمی‌شود؛ با اگر بالای ۱۳ سال باشد، بر اساس قانون مدنی امکان ازدواج دارد، پس کودک نیست. این تعارض‌ها ناشی از نبود یک تعریف دقیق و الزام‌آور است. در نظام حقوقی ایران، سن معیار در حوزه‌های مختلف متفاوت است؛ ۱۳ سال برای ازدواج، ۱۵ سال برای کار، ۱۶ برای رأی‌دادن، ۱۸ سال برای گرفتن گواهینامه یا خروج مستقل از کشور برای زنان است.» او ادامه داد: «این تعدد سن نشان می‌دهد که ما به یک نقطه مرجع مشخص نرسیده‌ایم که بگوییم از این سن به بعد فرد بالغ یا نوجوان محسوب می‌شود و پیش از آن کودک است. این رویه متفاوت باید در یک نقطه متوقف و سامان‌دهی شود. تا زمانی که تعریف واحدی وجود نداشته باشد، امکان دوزدن قانون و توجیه کودک‌همسری همچنان باقی خواهد ماند. براساس تجربه شخصی من، در بسیاری از دادگاه‌های محلی، قضات تحت فشارهای اجتماعی شدید قرار دارند. در جوامع سنتی، قاضی اغلب بومی منطقه هست و به‌نوعی غریبه محسوب می‌شود. این شرایط باعث می‌شود قاضی امنیت لازم برای صدور احکام مستقل را نداشته باشد. همچنین در موضوع کودک‌همسری، بسیاری از اختلاف‌ها اصلا به دادگاه نمی‌رسد و با ریش‌سفیدی و سازوکارهای غیررسمی حل‌وفصل می‌شود.» قوشه با اشاره به نقش جامعه مدنی گفت: «جامعه مدنی می‌تواند در آموزش و روشنگری نقش مؤثری داشته باشد، اما در سال‌های اخیر همواره با محدودیت‌ها و فشارهای مختلف مواجه بوده است. با وجود این، بدون تقویت جامعه مدنی و ایجاد امنیت برای قضات و فعالان اجتماعی، نمی‌توان انتظار داشت که مسائلی مانند کودک‌همسری به‌صورت ریشه‌ای حل شود.»

توقف رشد روانی کودک

ازواج در سن پایین طبق نظر کارشناسان، می‌تواند آسیب‌های روانی جبران‌ناپذیری داشته باشد. الهه خوشنویس، روان‌شناس و فعال حوزه کودک، در این نشست با تأکید بر نگاه روان‌شناختی به پدیده کودک‌همسری گفت: «در ازدواج سنین پایین، ما مسیر طبیعی رشد کودک را ناگهان متوقف می‌کنیم؛ کودکی که هنوز در حال شناخت خود، بدنش و هویتش است، ناگهان با نقش‌های سنگینی مانند همسری و مادری مواجه می‌شود. نوجوانی دوره شکل‌گیری هویت است. بسیاری از نوجوانان حتی نمی‌دانند دقیقاً از چه می‌ترسند، چه احساسی نسبت به خود دارند و چه می‌خواهند. این پدیده‌ها عصب‌روان‌شناسی نشان می‌دهد که تا حدود ۲۳ یا ۲۴ سالگی، مغز انسان هنوز به سطحی از رشد نرسیده که بتواند مسئولیت‌های مهم، قضاوت‌های پیچیده و پیش‌بینی پیامدهای بلندمدت را به‌درستی انجام دهد. در کودک‌همسری، مسئولیت‌هایی مانند همسری و حتی مادری، بسیار زودتر از موعد به کودک تحمیل می‌شود؛ مسئولیت‌هایی که کودک توان درک و مدیریت آنها را ندارد. از نگاه روان‌شناسی، این امر موجب اختلال جدی در روند رشد می‌شود و محدودیت‌ها در آینه نم‌تواند آسیمی را که در این مرحله وارد شده، به‌طورکامل جبران یا ترمیم کند.» او ادامه داد: «مسئله نگران‌کننده دیگر این است که ازدواج به پل‌تفرم‌هایی رسیده که با مجوز رسمی، کودکان را به مسیر ازدواج هدایت می‌کنند. طراحی پرسشنامه برای چنین هدفی، بدون اتکا به معیارهای علمی و روان‌سنجی معتبر، مداخله‌ای غیرعلمی و غیرتخصصی است. در علم روان‌شناسی، طراحی پرسشنامه مستلزم طی کردن مراحل دقیق اعتبارسنجی است. پرسشنامه‌هایی که صرفاً درباره علاقه به ازدواج یا نگرش‌های ایدئولوژیک سوال می‌کنند، به‌هیچ‌وجه ابزار مناسبی برای تشخیص آمادگی روانی کودک برای ازدواج نیستند. هیچ روان‌شناسی نمی‌تواند با چند سؤال یا یک گفت‌وگوی کوتاه، آمادگی ازدواج یک کودک را تأیید کند. از منظر روان‌شناسی حقوق کودک، اجازه ثبت‌نام بدون آگاهی، نمی‌توان گفت این صرفاً یک ثبت‌نام ساده است و عواقبی ندارد. وقتی مدیران سیستم می‌گویند والدین کودک را ثبت‌نام می‌کنند، این تناقض جدی ایجاد می‌شود. اگر کودک صلاحیت ثبت‌نام ندارد، چگونه صلاحیت ازدواج و پذیرش نقش همسری و مادری را دارد؟ ادعای وجود مشاور یا روان‌شناس در این فرایند نیز توجیه قابل قبولی نیست. روان‌شناس هرگز مهر تأیید بر ازدواج فردی نمی‌زند که از نظر رشد روانی، جنسی و شخصیتی هنوز به بلوغ نرسیده است. این موضوع هم از منظر کنوانسیون حقوق کودک و هم از نگاه علم روان‌شناسی، کاملاً مردود است. در این پرسشنامه‌ها، درباره اضطراب، ترس از آینده، آمادگی روانی برای زندگی مشترک یا تصور کودک از نقش مادری و همسری پرسشی مطرح نمی‌شود. در حالی که یک کودک ۱۳ساله، تازه وارد مرحله ابتدایی تفکر انتزاعی شده و به‌هیچ‌وجه آمادگی پذیرش پیچیدگی‌های ازدواج را ندارد.»

مصلحتی برای ازدواج کودک وجود ندارد

فاطمه اسماعیلی، دکتري فقه و پژوهشگر حقوق خانواده هم در این نشست حضور داشت. او با اشاره به ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران توضیح داد: «ازدواج دختران زیر ۱۳ سال و پسران زیر ۱۵ سال تنها زمانی مشروعیت دارد که سه شرط هم‌زمان محقق شود: اول، اجازه ولی قه‌ری یعنی پدر یا جد پدری، دوم، احراز مصلحت کودک؛ و سوم، تأیید دادگاه صالح. که با این حال فقه ما همواره بر محرز بودن مصلحت کودک تأکید داشته و ازدواج کودک صرفاً براساس بلوغ جسمی یا نظر پدر مشروع نیست. بررسی‌های فقهی من نشان داد که اغلب فقها، اجازه ازدواج کودکان را تنها در صورتی داده‌اند که مفیدهای در کار نباشد.» اسماعیلی با اشاره به فتواهای نوازار فقهی مانند آیت‌الله مکارم شیرازی گفت: «ایشان اعلام کرده‌اند که کودک‌همسری در زمان و شرایط کنونی باطل است. این حکم اثر حقوقی و شرعی مهمی دارد و نشان می‌دهد که نمی‌توان به‌سادگی ازدواج کودکان را مشروع دانست.»

شرق: «نسبت اندیشه رضا داوری با توسعه را باید به دو دوره تقسیم کرد:

دوره داوری و دوره رضا». محسن رنانی در پیش‌گفتار کتاب «روایت رضا داوری‌اردگانی از مسئله توسعه در ایران»، با ذکر این تقسیم‌بندی می‌گوید داوری‌اردگانی در دوره اول یعنی «دوره داوری» در موضع نقد و مخالفت با راه طی‌شده غرب است و در «دوره رضا» به این پدرش و رضایت رسیده است که راهی جز آن وجود ندارد که به منافع و عوارض مدرنیت تن بسپاریم و با آن همراهی کنیم.

کتاب «روایت رضا» تازه‌ترین عنوان از مجموعه «گفت‌وگوهای توسعه» است که از سوی انتشارات «کتاب شرق» با همکاری مشترک پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و پویش فکری توسعه تدوین و منتشر شده است. محمدجواد صافیان و سیدجمال سامع نویسندگان «روایت رضا» هستند. عصر روز چهارشنبه سوم دی‌ماه، مراسم رونمایی از این کتاب با حضور محمدرضا بهشتی، محمدتقی طباطبایی، حجت میرزایی و محمدجواد صافیان در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شد. در ادامه خلاصه‌ای از سخنرانی‌های انجام‌شده در این مراسم را می‌خوانید:

محمدجواد صافیان: مغفول ماندن خرد و عقل توسعه

صافیان به عنوان یکی از نویسندگان کتاب «روایت رضا» نخستین سخنران مراسم بود و در بخشی از صحبت‌هایش به این نکته اشاره کرد که توسعه‌نیافتگی به معنای عقب‌ماندگی نیست. به اعتقاد او توسعه به عنوان امری مدرن پیش‌فرض‌هایی دارد که قابل نقد است و توسعه‌نیافتگی نه وضعیت توسعه‌یافته است و نه ماندن در وضعیت گذشته. وضعیتی است که بر جوامع بشری عارض شده که در آن، این جوامع از گذشته خود بریده شده‌اند اما مدرن هم نشده‌اند اگر چه طواهر مدرن را به دست آورده‌اند. درواقع از لحاظ سخت‌افزاری وسایل مدرن وارد شده‌اند در حالی که مبنایی برای آن وجود ندارد و نظم و سامانی بین امور برقرار نشده است. صافیان با اشاره به نظر داوری درباره توسعه به این نکته هم اشاره کرد که امری که در کشورهای توسعه‌یافته مغفول است، «خرد و عقل» توسعه است و این چیزی است که باید به آن توجه کرد.

محمدرضا بهشتی: توسعه مسئله دوران معاصر است

محمدرضا بهشتی در ابتدای صحبت‌هایش به برخی ویژگی‌های کتاب «روایت رضا» اشاره کرد و گفت اهمیت این اثر برجسته‌کردن مفهوم توسعه در افق اندیشه‌ورزی فلسفی و به طور خاص ارائه روایتی از تلاش‌های دکتر داوری در این زمینه است. بهشتی مفاهیم توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی را مسئله دوران معاصر نامید و تأکید کرد که این فقط مسئله کشور ما نیست و ضروری است که در بستری بزرگ‌تر و در سطحی عام نیز به این مسئله بپردازیم. از این نظر، ضرورت طرح بحث‌های کلان‌تر هم وجود دارد و و باید از نگاه دیگران و نگاهی همراه با فاصله نیز به وضعیت خود بنگریم. به اعتقاد بهشتی باید بحث‌های پیرامون توسعه از حالت اجمال به حالت تفصیل درآید. بهشتی در بخشی دیگر از صحبت‌هایش به مفهومی اشاره کرد که در کتاب مورد توجه قرار گرفته و توجّه به «نو بودن» است. او گفت که توسعه برای ما مفهومی «مستحدث» است و درک این نکته گامی مهم است؛ «ما نه تنها هنوز با پدیده‌شناسی توسعه‌نیافتگی روبه‌رو نیستیم بلکه به طریق اولی با پدیده‌شناسی توسعه‌یافتگی هم مواجه نشده‌ایم. بر این منبا بهشتی تأکید دارد که ما همچنان نیازمند «ایضاح مفهومی» درباره توسعه هستیم و باید به این پرسش پاسخ دهیم که توسعه چیست. در این بستر اگر تصور کنیم که در زمینه‌های از مسیر بازمانده‌ایم و حالا باید با شتاب حرکت

گزارشی از نشست رونمایی کتاب «روایت رضا داوری‌اردگانی از مسئله توسعه در ایران»

توسعه‌نیافتگی بیرون‌افتادن از تاریخ است



کنیم، این روآوری شتاب‌زده می‌تواند ما را با پیچیدگی‌های بیشتری روبه‌رو کند. بهشتی تأکید کرد که این کار، کاری «فنی» است و نه «ذوقی» و از این‌رو باید به مفهوم توسعه از منظرهای مختلف همچون مفاهیم مجاور، متضاد و متناقض بپردازیم.

محمدتقی طباطبایی: ضرورت کنش‌ورزی و درک پیوستگی قدیم و جدید

محمدتقی طباطبایی در ابتدای سخنرانی‌اش به این نکته اشاره کرد که «روایت رضا» برای ایرانیانی که می‌اندیشند گامی به پیش است چراکه نشان می‌دهد کسانی در ایران می‌اندیشند. او همچنین با اشاره به پیشگفتار دبیر علمی «روایت رضا» گفت که معتقد نیست که دکتر داوری تفکری ضدمدرن داشته است. او با اشاره به مفهوم «نیهیلمس فعال» که داوری آن را از نیچه گرفته است، گفت که نقد داوری به مدرنیته از درون آن صورت گرفته و بنابراین نمی‌توان اندیشه او را «ضمدردن» دید. با این حال مفهوم «پایان مدرنیته» مسئله دیگری است که باعث شده داوری به دنبال یک جایگزین برای آن باشد. طباطبایی همچنین اشاره کرد که اندیشه داوری را باید در دو سطح فلسفی و روشنفکرانه مورد بررسی قرار داد و این دو سطح را از هم تفکیک کنیم. از سوی دیگر تمایز میان جهان قدیم و جهان جدید ما را یک گسل روبه‌رو می‌کند که با باید در یک سوی این دو جهان قرار داشته باشیم یا اگر در میان گسل باشیم گویی در میان هاویه قرار داریم. پذیرفتن این گسست و گسل به نوعی ما را به سوی «روایت شکست» می‌کشاند و در اینجا است که با تعبیری چون امتناع تفکر یا انحطاط تفکر روبه‌رو می‌شویم. در این روایت شکست، ما می‌دانیم در چیست اما درمان ناممکن است. طباطبایی دیگر در بخشی دیگر از صحبت‌هایش به مفاهیم «اراده»، «عزم»، «طلب» و «خواستن» در نظرات داوری اشاره کرد و گفت داوری بر این باور است که عزم مکانیزی ندارد و اگر ما بفهمیم توسعه‌نیافتگی‌ایم این عزم به وجود می‌آید. اما به اعتقاد طباطبایی، مسئله این است که آدمی که جهانی ندارد چگونه می‌تواند عزم کند و درواقع وقتی ما از پایان مدرنیته صحبت می‌کنیم آنگاه این عزم و طلب چگونه باید ایجاد شود. او همچنین اشاره کرد که اگر می‌خواهیم از این وضعیت خارج شویم باید با منطقی جدید با چالش‌های جهان جدید روبه‌رو شویم و باید با تمام بضاعت هرچند اندک‌مان به میدان وارد شویم چراکه عزم و اراده تنها با «کنش‌ورزی» محقق می‌شود و در این میان باید پیوستگی قدیم و جدید را درک کنیم.

حجت میرزایی: توسعه محصول اراده است

حجت میرزایی به عنوان آخرین سخنران این مراسم به تغییر در دیدگاه‌های دکتر داوری در مقاطع مختلف اشاره کرد و فکت «روایت رضا» از این حیث مهم است که روایتی فیلسوفانه از مسئله توسعه در ایران است اگرچه این تنها روایت فیلسوفانه از مسئله نیست. به اعتقاد میرزایی، مسئله مهم در سطح اول طرح پرسش از چیستی و ضرورت توسعه است به این معنا که آیا ما توسعه می‌خواهیم یا نه. سطح دوم بحث مسیر رسیدن به توسعه است. در سطح اول نگاه فیلسوفانه مطرح است و دکتر داوری در این سطح به خوبی به موضوع ورود کرده‌اند. میرزایی نیز تأکید کرد که در نظر داوری، توسعه محصول اراده

است به این معنا که جهان جدید را اراده ساخته و این نکته محوری در حرکت توسعه است. دست‌کم از جایی به بعد توسعه محصول اراده بوده و انسان در وضعیت رهاشدگی پس از رسانس به دنبال جایی برای خود بوده و در این میان راهی جز توسعه و میل به پیشرفت نداشت. از سوی دیگر جایی که میل به پیشرفت وجود ندارد توسعه رخ نمی‌دهد. این نکته در نوشته‌ها و نظرات داوری بارز است. میرزایی همچنین به ویژگی نگاه تاریخ‌مند داوری اشاره کرد و گفت در نظر داوری جهش و گرینش وجود ندارد و نکته مهم دیگر این است که داوری به نفی «ژانر حقیقات» پرداخته و با دوری‌جستن از این نوع نگاه معتقد است که ما باید لوازم دنیای جدید را بفهمیم.

رضا داوری‌اردگانی: توسعه‌نیافتگی و بی‌پناه‌شدن

دکتر داوری در مراسم رونمایی از «روایت رضا» حضور نداشت اما متن سخنرانی‌اش در مراسم خوانده شد. او در بخشی از این متن تأکید کرد که «به نظر من توسعه‌نیافتگی نبود توسعه نیست، بیرون‌افتادن از تاریخ و بی‌پناه‌شدن است. وقتی یک دوران تاریخی مثل تجدد، استعداد جهانی‌شدن دارد و در سراسر جهان گسترش می‌یابد، شیوه زندگی تغییر می‌کند و ممکن است رشته ارتباط با گذشته و فرهنگ قدیم سست شود، بی آنکه به ضرورت، پیوند تاریخی استواری با عهد جدید برقرار شده باشد. در این صورت شاید وضع خاصی پیدا شود، که دیگر نه با قدیم نسبت استوار دارد و نه راهی به سوی آینده». او در بخشی دیگر از متنش درباره وضعیت توسعه‌نیافتگی آورده: «توسعه‌نیافتگی یک حادثه عادی نیست. گم‌شدن در بیابان فناست. توجه به این معنی، برای من، در پی یک اشتباه پیش آمد. من که اندکی با آراء فیلسوفان معاصر آشنا بودم، می‌دیدم که بیشتر سخنان در نقد تجدد است و از پایان آن و حتی از مرگ سوزه و انسان می‌گویند. کسی که با چنین سخنانی مانوس باشد، قهراً در انتظار بیرون‌شدن از این وضع و گشایش عهد دیگر است. ما معمولاً حتی اگر اهل فلسفه باشیم ممکن است تعبیرها و اصطلاحات فلسفه را به معنایی که در کوچه و بازار دارد، دراییم. من هم پایان دوره تجدد را ملازم با آغاز قریب‌الوقوع عهدی دیگر دریافت‌م و وقتی انقلاب ۵۷ اوج گرفت، پنداشتم که جهان در آستانه عهد تازه‌ای قرار دارد و فردایی می‌آید که با خود، معنویت و صلح و صلاح و آزادی و دوستی می‌آورد. دو سه سالی در این انتظار بودم و انتظار خود را در نوشته‌هایم اظهار می‌کردم. در این زمان به نقد تجدد و وضع علم در کشور نیز بی‌توجه نبودم. اما متأسفانه غافل بودم که در میان ما «نقد» هنوز جایگاهی ندارد و غالباً به معنی مخالفت و رد و انکار درک می‌شود. من تجدد و وضع علم را نقد می‌کردم، کسانی این نقد را مخالفت تلقی کردند و به من عنوان علم‌سنیز و غرب‌سنیز دادند. شاید لحن و فحوای سخن من نیز که تحت تأثیر جو انقلاب بود، این دریافت را تا حدی موجه جلوه می‌داد. ولی برای من این مطلب روشن بود که علم و تاریخ، چیزهایی نیستند که بتوان با آنها مخالفت کرد. از پیوستگی علم جدید با تجدد نیز بی‌خبر نبودم. صریح بگویم، مسئله مهم در نظر من وضع زمان و آینده جهان بود. البته خیلی زود دانستم که انتظار عهد تازه تاریخی، هنوز زود است و بهتر است فکر کنیم که در کدام زمان به سر می‌بریم و به چه آینده‌ای می‌توانیم امید داشته باشیم. پس به سر هو نظر کردم. اما افق روشنی ندیدم و ندانستم که به کدام سو و به کجا باید رفت. به گذشته ایران فکر کردم و عظمت آن را تا حدودی دریافت‌م. اما خود را آشنای آن نیافت‌م. در آثار معاصران هم که نظر کردم، آنها هم با گذشته جز از طریق آثار شرق‌شناسان گزارش کرده‌اند، نسبتی نداشتند. احساس کردم که ما میان آینده و گذشته سرگردانیم، گذشته و آینده هر دو مفاهیمی مبهم بودند و معمولاً به مجموعه‌ای از حوادث و وقایع و دعاوی و سوداها اطلاق می‌شدند.

دزیرزمین شهرهایمان چه خبر است؟

در این میانه نقش رودرره‌های تهران را نباید در ساختار فضایی جغرافیای سرزمین تهران نادیده گرفت. دکتر اویس ترابی که تقریباً تمام عمر حرفه‌ای خود را به این موضوع پرداخته، می‌گوید: رودرره‌های تهران تغذیه‌کننده آبخوان دشت تهران و ریه‌های تنفسی شهر هستند. این عرصه‌های سبز و باز، که لبه‌های طبیعی ساختار فضایی کلان‌شهری و جداکننده و حریم مناطق شهری نیز محسوب می‌شوند، باید به‌نوعی هدایتگر مدیریت شهری نیز باشند. او برای رفع آسیب‌های واردشده به اکوسیستم (و دستیابی به ژئوبای اکوسیستم رودرره‌ای) اقداماتی مانند: مدیریت محلی پسماند و پساب، رفع تعارضات و تصرفات غیرقانونی حریم اکولوژیک رودرره‌ها، جمع‌آوری و تخلیه آوار و نخاله‌های ساختمانی داخل رودرره، پاک‌سازی خاک آلوده (Soil Remediation)، بازروانی پوشش گیاهی بومی، بازیابی گونه‌های جانوری بومی، مدیریت کیفیت آب رودخانه، مدیریت چشمه‌ها و آزادسازی، لایروبی قنات و دیگر اقدامات شهرسازانه محلات اطراف را مؤثر می‌داند. کاری که دکتر ترابی برای قسمت شمالی رودرره فرحزاد کرد، از زمین تا آسمان با پارک‌های تفریحی تمام‌نرخ نهج‌البلاغه و جوانمردان در رودرره‌های غرب آن تفاوت داشت.

رودخانه فرحزاد، با آورد سالانه حدود ۶٫۳ میلیون مترمکعب در سال و دبی متوسط رودخانه حدود ۱۹۰ لیتر بر ثانیه - عمق تقریبی دره در حدود ۶۰ متر و عرض متوسط آن در حدود ۲۰۰ تا ۴۰۰ متر می‌تواند الگوی طراحی درست برای سایر رودرره‌ها قرار گیرد. در تهران شیب طبیعی زمین از شمال به جنوب، حرکت آب و آبیاری خطی طبیعی را

یادداشت

بحران آب، بودن یا نبودن؟

فرشاد قوشچی

روزنامه‌نگارودانشیار

مطابق پیش‌بینی‌های ۲۵ سال قبل بانک جهانی و فائو با ادامه روند موجود در مدیریت آب دنیا، بیشترین میزان برداشت آب به مقدار آب تجدیدپذیر به‌طور میانگین در جهان به ۱۰ درصد و در منطقه خاورمیانه به رقم نگران‌کننده و بی‌سابقه ۹۰ درصد خواهد رسید که در دنیا این ناحیه بیشترین برداشت آب را خواهد داشت. این در حالی است که مقدار این شاخص در خاورمیانه حدود ۶۹ درصد در سال ۱۹۹۵ میلادی بوده است. لازم به ذکر است گزارش مذکور در ربع‌قرن گذشته در شرایطی منتشر شده بود که هنوز امیدواری‌هایی به حفظ منابع آبی وجود داشت و از طرفی پیش‌بینی‌های تغییر اقلیم هنوز به وضعیت بفرنج امروزی نرسیده بود. نسبت برداشت آب به کل آب تجدیدشونده، معیاری برای تشخیص کمبود آب در سطح حوضه آبریز است. این مقدار اگر از ۴۰ درصد فراتر رود نشانگر تنش آبی شدید در آن منطقه جغرافیایی است. چنان‌که تخمین زده می‌شد این شرایط بحرانی در خاورمیانه و ایران اتفاق افتاد. اما همان زمان راهکارهایی در ارتباط با پیشگیری از این وضعیت داده شد که حتی در شرایط حاد فعلی نیز پایبرجاست. پیشنهادهایی از قبیل واگذاری مدیریت شبکه‌های آبیاری به بهره‌برداران به‌صورتی که واگذاری‌ها براساس نظام‌های مشارکت سنتی همراه با بسترسازی‌های قانونی باشد. این مسئله همچنین موجب بالارفتن راندمان مصرف آب هم می‌شود. همین‌طور استفاده از فناوری‌های با بهره‌وری بیشتر نظیر آبیاری‌های تحت فشار، ایجاد کانال‌های نوین آبیاری، توسعه شبکه‌های موریگی آبیاری با حمایت‌های مالی و وام‌های دولتی، بهره‌برداری پایدار از منابع آب زیرزمینی ... مجموعه اقداماتی بوده و هست که می‌تواند سهم کشاورزی از کل برداشت منابع آبی سطحی و زیرسطحی را کاهش داده و بهره‌وری عملکرد گیاهان زراعی و باغی را بالا ببرد. به این ترتیب مشکلات مربوط به تأمین آب شرب را هم که اکنون به دغدغه‌ای فراگیر در کشور تبدیل شده تا حدود زیادی برطرف کند، در غیر این صورت با ادامه روند موجود و در نتیجه کاهش دسترسی به آب‌های سطحی و راندمان پایین مصرف آب در کشاورزی، میزان بهره‌برداری از منابع آب‌های زیرزمینی بیش از پیش افزایش یافته و بسیاری از سفره‌های آب زیرزمینی کشور خشک خواهد شد. کل آب تجدیدپذیر سالانه ایران ۱۱۰ میلیارد مترمکعب است که ۵۶ میلیارد مترمکعب آن وارد لایه‌های زیرزمینی می‌شود. در سال‌های گذشته میزان برداشت سالانه از ۶۲ میلیارد مترمکعب هم فراتر رفته و بنابراین سال‌هاست که آب‌های زیرزمینی با تراز منفی مواجه هستند یا به عبارتی رقمی بیش از صددرصد برداشت نسبت به آب تجدیدپذیر وجود دارد و این به معنای فاجعه آبی است. بنابراین جدی‌ترین و منطقی‌رین راهکار برای جلوگیری از این فاجعه محیط‌زیستی، حمایت دولت و سیاست‌گذاری‌های اصولی در بخش کشاورزی برای بهره‌وری مطلوب و در مصرف آب رعایت الگوی کشت و در نتیجه تخصیص آب باقی‌مانده به معضل تأمین آب شرب است. مسئله‌ای که حالا در بین شهروندان، به‌ویژه در کلان‌شهرها، به هر حال کنه‌کننده‌ای رسیده و زندگی جاری در شهرهای ایران را تحت‌الشعاع خود قرار داده است؛ تا جایی که بالاترین مقام اجرایی کشور هشدار تخلیه پایتخت را در صورت ادامه روند موجود و عدم نولات جوی بر زبان جاری می‌کند. درحالی‌که علی‌رغم کاهش میزان بارندگی‌ها، با اقداماتی که برخی از آنها به‌رشمده شد، می‌توان به این مسئله حتی فکر هم نکرد. الزام فعلی برای نیل به این منظور، استفاده از متخصصان و دانشمندان واقعی، غیر از آنی که در تبلیغات انتخاباتی از آن بهره می‌گیرند و وفاق علمی و نه سیاسی و آشتی با محققان است و بس.